بسمه تعالی

**موضوع**: نسیان قرائت یا تسبیح /قرائت /صلاه

فهرست مطالب:

[تکمله ای از بحث گذشته 1](#_Toc127885627)

[بررسی مستند کلام صاحب عروه 2](#_Toc127885628)

[کلام محقق بروجردی مبنی بر اعراض اصحاب از وجوب سجده سهو برای هر زیاده و نقیصه 3](#_Toc127885629)

[بررسی روایت محمد بن مسلم 4](#_Toc127885630)

[مسئله 9: نسیان قرائت یا تسبیحات 5](#_Toc127885631)

[وجه کلام محقق یزدی مبنی بر عدم لزوم تدارک در فرض التفات بعد از رکوع 5](#_Toc127885632)

[بررسی روایات در مسئله 6](#_Toc127885633)

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه گذشته بحث از فروعات تسبیح و قرائت مطرح شد که یکی از آن ها نسیان قرائت یا تسبیح است. در این جلسه به تکمله بحث پرداخته می شود.

## تکمله ای از بحث گذشته

نکته ای از مسئله هشت باقی مانده است. مسئله 8 چنین بود:

«إذا قرأ الحمد بتخيل أنه في إحدى الأولتين‌ فذكر أنه في إحدى الأخيرتين فالظاهر الاجتزاء به و لا يلزم الإعادة أو قراءة التسبيحات و إن كان قبل الركوع كما أن الظاهر أن العكس كذلك فإذا قرء الحمد بتخيل أنه في إحدى الأخيرتين ثمَّ تبين أنه في إحدى الأولتين لا يجب عليه الإعادة نعم لو قرأ التسبيحات ثمَّ تذكر قبل الركوع أنه في إحدى الأولتين يجب عليه قراءة الحمد و سجود السهو بعد الصلاة لزيادة التسبيحات»[[1]](#footnote-1)

صاحب عروه فرموده است اگر کسی بخواهد تسبیحات در رکعت سوم و چهارم بخواند و بعد ملتفت شود که رکعت اول یا دوم است، اگر قبل از رکوع باشد سوره حمد را تدارک کند و به هر حال باید به خاطر زیاده تسبیحات سجده سهو به جا آورد. فرمایش ایشان مبتنی بر دو مقدمه است:

1. یکی اینکه سجده سهو برای هر زیاده و نقیصه ای واجب باشد.
2. دوم اینکه تسبیحات اربعه به تخیل اینکه رکعت سوم و چهارم است، مصداق زیاده باشد.

نوعا در مقدمه ثانیه مناقشه نکرده اند و گفته اند وقتی شخص به قصد جزئیت تسبیحات را گفته و محل مقرر شرعی آن نیز رکعت سوم است، عرفا زیاده صدق می کند. عمده مقدمه اول است.

## بررسی مستند کلام صاحب عروه

ما قبلا عرض کردیم که مستند صاحب عروه که خلاف مشهور نیز می باشد دو روایت است:

یکی روایت مرسله ابن ابی عمیر است:

« أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ سُفْيَانَ بْنِ السِّمْطِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَسْجُدُ سَجْدَتَيِ السَّهْوِ فِي كُلِّ زِيَادَةٍ تَدْخُلُ عَلَيْكَ أَوْ نُقْصَانٍ وَ مَنْ تَرَكَ سَجْدَةً فَقَدْ نَقَصَ»[[2]](#footnote-2)

روایت دوم صحیحه زرارۀ است:

« عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا شَكَّ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاتِهِ فَلَمْ يَدْرِ زَادَ أَمْ نَقَصَ فَلْيَسْجُدْ سَجْدَتَيْنِ وَ هُوَ جَالِسٌ وَ سَمَّاهُمَا رَسُولُ اللَّهِ ص الْمُرْغِمَتَيْنِ»[[3]](#footnote-3)

گفته اند وقتی علم اجمالی داریم که در این نماز دو بار سورۀ حمد خوانده شده یا هیچ خوانده نشده، علم به زیاده یا نقیصه است، در اینجا اگر سجده سهو واجب باشد، ظهور در این دارد که اگر علم تفصیلی پیدا شود به عدم خواندن سورۀ حمد یا دوبار خواندن آن، یا در یک رکعت نخوانده باشد و در رکعت بعدی دو بار خوانده شود، عرفا استفاده می شود که سجده سهو در اینجا نیز می آید؛ لذا اینکه محقق خویی فرموده اند این حکم مختص به علم اجمالی است و در صورت علم تفصیلی سجده سهو واجب نیست، انصافا غیر عرفی و خلاف ظاهر است.

بنابراین روایت زرارۀ نیز دلیل دوم است که حال که علم اجمالی موجب سجود سهو است، علم تفصیلی به زیاده یا نقیصه یا هر دو نیز موجب سجود سهو است.

### کلام محقق بروجردی مبنی بر اعراض اصحاب از وجوب سجده سهو برای هر زیاده و نقیصه

محقق بروجردی اعراض اصحاب از این روایات دال بر وجوب سجود سهو برای هر زیاده و نقیصه را ادعا کرده و فرموده اند: شیخ طوسی نیز در خلاف می گوید سجود سهو برای هر زیاده و نقیصه واجب نیست و بعد می گوید در اصحاب ما هستند کسانی که قائل به وجوب هستند.[[4]](#footnote-4)

به نظر ما منشأ اعراض اصحاب وجود روایاتی است که مفاد آن عدم وجوب سجود سهو در هر زیاده و نقصان است. به عنوان مثال در معتبرۀ ابی بصیر چنین آمده است:

« الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَمَّنْ نَسِيَ أَنْ يَسْجُدَ سَجْدَةً وَاحِدَةً فَذَكَرَهَا وَ هُوَ قَائِمٌ قَالَ يَسْجُدُهَا إِذَا ذَكَرَهَا مَا لَمْ يَرْكَعْ فَإِنْ كَانَ قَدْ رَكَعَ فَلْيَمْضِ عَلَى صَلَاتِهِ وَ إِذَا انْصَرَفَ قَضَاهَا وَ لَيْسَ عَلَيْهِ سَهْوٌ»[[5]](#footnote-5)

نه تنها در این روایت بحث از وجود سجود سهو را مطرح نکرد، بلکه در فرضی که یک سجده را فراموش کرده فقط فرموده قضا کند و سجده سهو ندارد. سند صدوق به روایات ابن مسکان از ابی بصیر معتبر است، ولو سند شیخ به این روایت دارای محمد بن سنان است که اشکال در وثاقت او داریم.

یا در موثقه عمار آمده است:

«عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابَاطِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ السَّهْوِ مَا يَجِبُ فِيهِ سَجْدَتَا السَّهْو……. وَ عَنِ الرَّجُلِ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَقْعُدَ فَقَامَ ثُمَّ ذَكَرَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقَدِّمَ شَيْئاً أَوْ يُحْدِثَ شَيْئاً قَالَ لَيْسَ عَلَيْهِ سَجْدَتَا السَّهْوِ حَتَّى يَتَكَلَّمَ بِشَيْ‏ءٍ وَ عَنِ الرَّجُلِ إِذَا سَهَا فِي الصَّلَاةِ فَيَنْسَى أَنْ يَسْجُدَ سَجْدَتَيِ السَّهْوِ قَالَ يَسْجُدُهُمَا مَتَى ذَكَر»[[6]](#footnote-6)

یا در موثقه ابی بصیر چنین آمده است:

« عَنْ فَضَالَةَ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: إِذَا نَسِيَ أَنْ يَقْرَأَ فِي الْأُولَى وَ الثَّانِيَةِ أَجْزَأَهُ تَسْبِيحُ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ وَ إِنْ كَانَتِ الْغَدَاةُ فَنَسِيَ أَنْ يَقْرَأَ فِيهَا فَلْيَمْضِ فِي صَلَاتِهِ»[[7]](#footnote-7)

ظهور مقامی این روایت عدم لزوم سجود سهو است، وگرنه لازم بود که امام علیه السلام سجده سهو را مطرح کند؛ چرا که در غیر این صورت اغراء به جهل می شود که امام علیه السلام وظیفه فعلیه مکلف را روشن نکند.

سوال: شاید معلوم بوده که باید سجده سهو را به جا آورد.

جواب: چطور معلوم است که اصحاب غالبا فتوا به عدم وجوب سجود سهو داده اند؟ خلاف متفاهم عرفی است که امام علیه السلام اصلا بحثی از سجود سهو به میان نیاورد، ولی واجب باشد.

بنابراین به نظر ما حق با مشهور است و کلام سید یزدی تمام نیست. سجود سهو برای مطلق زیاده و نقیصه لازم نیست.

### بررسی روایت محمد بن مسلم

یک روایتی نیز از محمد بن مسلم نقل شده است که متن آن چنین است:

« مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رِبْعِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ وَ الْقِرَاءَةُ سُنَّةٌ فَمَنْ تَرَكَ الْقِرَاءَةَ مُتَعَمِّداً أَعَادَ الصَّلَاةَ وَ مَنْ نَسِيَ الْقِرَاءَةَ فَقَدْ تَمَّتْ صَلَاتُهُ وَ لَا شَيْ‏ءَ عَلَيْهِ»[[8]](#footnote-8)

محقق سیستانی فرموده اند این روایت کالصریح در نفی سجود سهو است در فرضی که ترک قرائت نسیانی داشته باشد، پس زیاده تسبیح نیز سجود سهو ندارد؛ زیرا عرف دیگر از آن «لکل زیادۀ و نقصان» وجوب نمی فهمد، عرض ما این بود که «لاشی علیه» اطلاق دارد و اینگونه نیست که نص در عدم وجوب سجود سهو باشد. ایشان می فرمایند چون جو عامه این بود که واجب است، و لا شی علیه در مقابل آن ها نص در عدم وجوب می شود تمام نیست؛ به نظر ما اطلاق دارد. وقتی اطلاق بود به قرینه «فمن ترک متعمدا و من نسی» می فهمیم که من نسی السنۀ فلاشی علیه و اطلاق آن می رساند که أعم از سجود سهو یا غیر آن باشد. بنابراین باید مطلقه ابن ابی عمیر را مخصص این روایت قرار دهیم. اگر ما بودیم و این صحیحه محمد بن مسلم، به اطلاق می گفت ترک سنت واجبه در صورت سهو، چیزی را واجب نمی کند. به اطلاق آن می گفت سجود سهو ندارد، روایت سفیان بن سمط به نصوصیت موضوعیه می گوید که سجده سهو برای هر زیاده یا نقصانی واجب است، نقصان نیز منظور، نقصان سنت واجبه است، لذا این روایت سفیان اخص مطلق از صحیحه محمد بن مسلم می شود. فرض این است که روایت سفیان هم به زیاده و هم به نقیصه تصریح کرده است. نسبت به نقیصه سنت واجبه تصریح به وجوب کرده است و اطلاق « فَمَنْ تَرَكَ الْقِرَاءَةَ مُتَعَمِّداً أَعَادَ الصَّلَاةَ وَ مَنْ نَسِيَ الْقِرَاءَةَ فَقَدْ تَمَّتْ صَلَاتُهُ وَ لَا شَيْ‏ءَ عَلَيْهِ»[[9]](#footnote-9) می گوید «من نسی السنۀ لا شی علیه» پس اگر ترک سنت نسیانا شد چیزی بر او واجب نیست، روایت سفیان تخصیص می زند. بلی آن مبنای ما را که عام ترخیصی مثل «لا شی علیه» گفته شود مردم اغراء به جهل شوند و سجود سهو را ترک کنند، بعد بیایند بگویند در روایت سفیان گفته ایم که واجب است، این عرفی نیست، لذا به نظر ما سجده سهو واجب نیست.

بحث در سند روایت سفیان را نیز مطرح کرده ایم که اگر ما مراسیل ابن ابی عمیر را کما علیه الإمام و السید الزنجانی و السید السیستانی قبول کنیم، مسانید ابن ابی عمیر را نیز کما علیه السید السیستانی و السید الزنجانی قبول کنیم، عن بعض اصحابنا درست می شود زیرا از مراسیل ابن ابی عمیر است، سفیان نیز درست می شود زیرا از مسانید ابن عمیر است، زیرا ابن ابی عمیر در جای دیگر بلاواسطه از سفیان نقل می کند.

# مسئله 9: نسیان قرائت یا تسبیحات

سید یزدی رحمه الله می فرماید:

«لو نسي القراءة و التسبيحات ‌و تذكر بعد الوصول إلى حد الركوع صحت صلاته و عليه سجدتا السهو للنقيصة و لو تذكر قبل ذلك وجب الرجوع‌»[[10]](#footnote-10)

اگر کسی قبل از رکوع عرفی متذکر شود که قرائت یا تسبیحات را نخوانده است، باید برگردد و تدارک کند، مگر اینکه به حد رکوع عرفی (انحنای عرفی باشد) برسد، ولو اینکه به حد رکوع شرعی (یعنی به حدی که نوک انگشتان به زانو برسد) نرسیده باشد، دیگر قابل تدارک نیست.[[11]](#footnote-11)

## وجه کلام محقق یزدی مبنی بر عدم لزوم تدارک در فرض التفات بعد از رکوع

وجه اینکه بعد از رسیدن به رکوع نماز صحیح است و تدارک لازم نیست، گفته شده که علی القاعده است، از باب روایت لاتعاد می توان تصحیح کرد؛ زیرا اگر بخواهند نماز را تدارک کنند مسلتزم زیاده رکوع است و اگر بخواهند تدارک نکنند، خلاف لاتعاد است.

این بیان با مبنای کسانی مثل محقق سیستانی که می فرمایند زیاده سهویه رکوع یا رکن دیگر در نماز مشمول حدیث لاتعاد است، صحیح نیست. امام نیز می فرمایند که خود زیاده سهویه در ارکان مشمول لاتعاد است؛ زیرا در قرآن نیامده است که زیاده در ارکان نکنید تا مانعیت زیاده در ارکان فریضه و حکم الهی در قرآن باشد، صرفا سنت است و مثل مانعیت تکلم می ماند که سنت است، لذا مشمول السنۀ لاتنقض الفریضۀ است. لذا به نظر امام و محقق سیستانی تمسک به لاتعاد مشکل می شود؛ زیرا شخص نباید نماز را ادامه دهد؛ زیرا رکوع کرده و تسبیحات را فراموش کرده است، باید تدارک کند و زیاده رکوع نیز اشکالی ندارد؛ زیرا مشمول لاتعاد است.

محقق سیستانی حواسشان جمع است و فرموده اند: کاری با لاتعاد نداریم، ذیل حدیث لاتعاد «السنۀ لاتنقض الفریضۀ» قاعده عامه ای را بیان می کند و اختصاصی به نماز نیز ندارد. می توان آن را در صوم و حج و حتی در احکام وضعی مثل تذکیه و غیره اجراء کرد؛ لذا اخلال به شرایط تذکیه که در قرآن کریم نیامده است، اشکالی ندارد. ایشان فرموده اند: اینجا نیز جمله ذیل را تطبیق بر خود رکوع می کنیم و کاری به نماز نداریم. می گوییم «السنۀ» یعنی ترک قرائت «لاتنقض الرکوع» که فریضه است. اگر بناء باشد شخص برگردد و قرائت را تدارک کند یعنی رکوع اول باطل و لغو و منتقض می شود. «السنۀ لاتنقض الفریضۀ». خود روایت می فرماید قرائت سنت است و رکوع فریضه است. مشمول جمله ذیل واقع می شود. حتی بالاتر، ایشان فرموده اند معتقدیم که در سجده، سجده واحده نیز فریضه است، لذا اگر شخص سر از سجده واحده بردارد و ملتفت شود که در فرض سجده کرده است، «السنۀ لاتنقض الفریضه» در حالی که دیگران نمی گویند و می فرمایند باید تدارک شود. ایشان می فرماید جمله ذیل روایت لاتعاد جاری می شود و لازم نیست تدارک کند. ایشان می فرماید فریضه به معنای رکن نیست به معنای مقدر در قرآن است، سجود نیز مقدر در قرآن است. بنابراین ایشان با ذیل روایت کار دارد که مشکل گشا است، صدر روایت صرفا صغرایی برای ذیل است.

## بررسی روایات در مسئله

اما روایات، اولین روایت صحیحه منصور بن حازم است:

« مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِنِّي صَلَّيْتُ الْمَكْتُوبَةَ فَنَسِيتُ أَنْ أَقْرَأَ فِي صَلَاتِي كُلِّهَا فَقَالَ أَ لَيْسَ قَدْ أَتْمَمْتَ الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ قُلْتُ بَلَى قَالَ قَدْ تَمَّتْ صَلَاتُكَ إِذَا كَانَ نِسْيَاناً»[[12]](#footnote-12)

محقق خوئی به این صحیحه استدلال کرده که نسیان قرائت مبطل نماز نیست.

به نظر ما ظاهر روایت مربوط به بعد از فراغ از نماز است، ارتباطی ندارد به اینکه تذکر نسیان قرائت یا تسبیحات در حال رکوع باشد. صحت نماز در فرضی که بعد از نماز یادش بیاید که در رکعت اول حمد را نخوانده، مسلم است. آن چیزی که محل بحث است این است که در حال رکوع اگر ملتفت بشود، آیا باید برگردد و حمد را بخواند که مستلزم زیاده سهوی رکوع است، یا اینکه برنگردد. همین که فرض این روایت بعد از نماز است، احتمال فرق می دهیم. هیچ منافاتی ندارد که در صورت التفات بعد از نماز، حکم به صحت نماز شود ولی در صورت التفات بعد از رکوع حکم به بازگشت و اتیان به سورۀ حمد شود. کما اینکه گفته شد محقق سیستانی و امام قائل به عدم مبطلیت زیاده سهوی رکوع هستند.

روایت دوم چنین است:

«محمد بن اسماعیل عن الفضل بن شاذان عن حماد بن عیسی عن ربعی بن عبدالله عن محمد بن مسلم عن احدهما قال ان الله فرض الرکوع و السجود و القراءة سنة فمن ترک القراءة‌ متعمدا اعاد الصلاة‌و من نسی القراءة‌ فقد تمت صلاته و لا شیء علیه»[[13]](#footnote-13)

یا در صحیحه زراره «ان الله تبارک و تعالی فرض الرکوع و السجود و القراءة سنة فمن ترک القراءة متعمدا اعاد الصلاة و من نسی فلاشیء علیه».

محقق سیستانی فرمودند که این روایت هم اطلاق ندارد. مراد از نسیان قرائت آن نسیان قرائتی است که امکان تدارک ندارد، و لذا اگر در حال قنوت یادش بیاید که نسیان قرائت کرده، نمی گوییم «من نسی القراءة فلاشیء علیه». پس مورد آن نسیان قرائت یا تسبیحات است با فرض عدم امکان تدارک و هذا اول الکلام که بعد از رکوع امکان تدارک نباشد، ‌بعد از نماز امکان تدارک نیست، اما عدم امکان تدارک بعد از رکوع اول الکلام است.

بنابراین این روایت منصرف به نسیان قرائتی است که امکان تدارک ندارد. اگر در حال رکوع هم امکان تدارک داشت مشمول این خطاب نبود. مخصوصا در آن صحیحه محمد بن مسلم هم و همینطور در صحیحه زراره اولش گفت من ترک القراءة‌ متعمدا اعاد الصلاة‌ یعنی امکان تدارک نیست.

سوال می شود که اگر مکلف بعد از قیام ملتفت بشود تشهد را فراموش کرده چرا نگوییم که فلاشی علیه اطلاق دارد و شامل آن نشود؟

جواب این است که ظاهر من نسی التشهد فلاشیء علیه این است که نسیانی است که امکان تدارک ندارد؛ می گوید: «التشهد سنة فمن ترک التشهد متعمدا اعاد الصلاة و من نسی التشهد فلاشیء علیه» یعنی نسیان تشهد چون نسیان سنت است مبطل نماز نیست، اما در جایی که امکان تدارک نباشد، ظاهرش این است.

خلاصه اینکه انصافا اشکال به این روایت، اشکال قابل توجهی هست.

روایت بعدی روایت علی بن ابی‌حمزه بطائنی از ابی‌بصیر است:

« مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّد عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أُمَّ الْقُرْآنِ قَالَ إِنْ كَانَ لَمْ يَرْكَعْ فَلْيُعِدْ أُمَّ الْقُرْآن‏»[[14]](#footnote-14)

اشکال سندی بناء بر اینکه علی بن ابی حمزه بطائنی ضعیف است در اینجا مطرح می شود، محقق سیستانی خواستند یک اشکال دلالی هم بکنند و آن این است که این فقط مربوط می شود به رکعت اول و دوم، تعبیر «‌نسی ام القرآن قال ان کان لم یرکع فلیعد ام القرآن» مربوط به رکعت اول و دوم است، اما در رکعت سوم و چهارم تسبیحات را فراموش بکند، آنجا هم ما بگوییم که مفهوم این روایت که می گفت ان کان لم یرکع فلیعد ام القرآن یعنی ان کان رکع تمت صلاته، ان کان لم یرکع فلیعد ام القرآن مفهومش این است که فان کان رکع فلایعید، ان تمت صلاته، مفهوم ان ان لم یرکع فلیعد ام القرآن چیست؟ این است که فان کان رکع مشکلی نیست، نمازش صحیح است، محقق سیستانی فرموده اند: این روایت در مورد نسیان قرائت سوره حمد در رکعت اول و دوم است و الغاء خصوصیت از آن نسبت به رکعت سوم و چهارم نیاز به دلیل دارد.

به نظر من این اشکال عرفی نیست، قرائت سوره حمد را در رکعت اول و دوم بعد از رکوع وقتی ملتفت شد فراموش کرده است نماز را باطل نکند و تدارک آن لازم نباشد عرف به فحوی تمسک می کند که پس در رکعت سوم و چهارم نیز اشکالی ندارد.

اگر احتمال دهیم تدارک تسبیحات بعد از رکوع واجب باشد برائت از وجوب تدارک جاری می کنیم. ما می خواهیم نماز را تصحیح کنیم اما دلیل باید بیاید بگوید که حالا که نماز صحیح است به جبران آن تسبیحاتی که در رکعت سوم فراموش کردی باید رکعت چهارم به جای سه بار تسبیحات شش بار تسبیحات بگویی این دلیل می خواهد، از وجوب آن برائت جاری می کنیم.

1. [العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج1، ص659.](http://lib.eshia.ir/10028/1/659/أحدهما) [↑](#footnote-ref-1)
2. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص155.](http://lib.eshia.ir/10083/2/155/تسجد) [↑](#footnote-ref-2)
3. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص354.](http://lib.eshia.ir/11005/3/354/شک) [↑](#footnote-ref-3)
4. [الخلاف، شیخ طوسی، ج1، ص459.](http://lib.eshia.ir/10015/1/459/الاصحاب) [↑](#footnote-ref-4)
5. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص152.](http://lib.eshia.ir/10083/2/152/لیس) [↑](#footnote-ref-5)
6. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص353.](http://lib.eshia.ir/10083/2/353/السهو) [↑](#footnote-ref-6)
7. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص146.](http://lib.eshia.ir/10083/2/146/السهو) [↑](#footnote-ref-7)
8. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص347.](http://lib.eshia.ir/11005/3/347/تمت) [↑](#footnote-ref-8)
9. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص347.](http://lib.eshia.ir/11005/3/347/تمت) [↑](#footnote-ref-9)
10. [العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج1، ص660.](http://lib.eshia.ir/10028/1/660/نسی) [↑](#footnote-ref-10)
11. . گاهی رکوع حسی داریم مثل پیر مرد کمر خمیده، یا رکوع معنوی داریم مثل کسی که بدهکار کمر خمیده در مقابل مشکلات زندگی است. [↑](#footnote-ref-11)
12. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص348.](http://lib.eshia.ir/11005/3/348/صلاتک) [↑](#footnote-ref-12)
13. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص347.](http://lib.eshia.ir/11005/3/347/تمت) [↑](#footnote-ref-13)
14. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص348.](http://lib.eshia.ir/11005/3/348/القرآن) [↑](#footnote-ref-14)